

فرهنگ اصطلاحات فرش

گفتگو با آقای احمد منصوری مدیر مسئول انتشارات فرهنگان

● گفتگو از: مجید مقدم



موسسه انتشارات فرهنگان در سال‌های اخیر، کارنامه خوبی در انتشار کتب مرجع، به خصوص واژه‌نامه، فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌ها داشته است. واژه‌نامه هشت زبانه نفت و گاز، واژه‌نامه نجوم، واژگان ریاضی، فرهنگ پزشکی، دایرةالمعارف معماری جهان و فرهنگ موسیقی از جمله کتاب‌هایی است که توسط این موسسه منتشر شده و یا در حال آماده‌سازی است. اما آنچه بهانه گفت و گوی «کتاب ماه» با مدیر انتشارات فرهنگان قرار گرفت، انتشار پنج جلد کتاب درباره فرش ایران و هم چنین آماده‌سازی دو اثر ارزشمند است با عناوین فرهنگ اصطلاحات فرش ایران و دایرةالمعارف فرش ایران.

گذاشتیم، که پنج مورد از این مجموعه چاپ شده و هم‌اکنون «فرش هراتی» زیر چاپ است. به این ترتیب بود که ما بخشی از فعالیت‌های مان را از حوزه کتاب‌های مرجع به سمت کتب غیرمرجع سوق دادیم.

● بنابراین می‌توان گفت در اهداف موسسه تغییر جهتی صورت گرفته است؟

○ تغییرجهت نداده‌ایم، بلکه در کل کار و مسیری که طی کرده و می‌کنیم، شاخه‌ای ایجاد کرده‌ایم که خیلی عمده نیست ولی محصولش بسیار خوب است، کاری تحقیقی و دست اول. به هر حال فرش دستباف ایران در جهان حرف اول را زده است، اما نکته مهم در اینجاست که در ارتباط با فرش ایران خارجی‌ها بیشتر حرف زده‌اند و مطلب نوشته‌اند. خیلی حرف‌های تکراری هم در کنار حرف‌های با ارزش زده‌اند. بنابراین ما با توجه به این ضعف و برای جبران بخشی از این کاستی به حوزه فرش وارد شدیم.

● با اینکه اشاره کردید ایران، کانون اصلی فرش

شاید علم و تکنولوژی آن هم از ایران به خارج صادر شده باشد، در واقع رشته‌ای است که علم و فناوری‌اش را ایرانیان تولید کرده‌اند. ما برای مکتوب نمودن و ثبت اطلاعات در مورد فرش که صنعتی دستی است دو کار اساسی را در برنامه خودمان قرار دادیم؛ یکی با نام «فرهنگ اصطلاحات فرش ایران» و دیگری با عنوان «دایرةالمعارف فرش ایران». بنابراین شاخه‌ای در فرهنگان تأسیس شد با مدیریت آقای دکتر علی حصوری. تحت نظر ایشان تحقیقات دست اول ستادی و میدانی صورت گرفت که البته بخش ستادی آن از منابع موجود بود و پژوهش دست اول نبود. اما در بخش میدانی پژوهش‌های دست اول گسترده‌ای صورت گرفت. این نکته را نیز یادآور شوم که فعالیت ما در این زمینه تقریباً ۴ سال بعد از تأسیس موسسه یعنی در سال ۱۳۶۶ شروع شد. اطلاعات حاصله و تحقیقات صورت گرفته در عمل ما را در تدوین کتاب‌های دیگر هم یاری داد که اسمش را «تک‌مضمونی‌های فرش»

● در ابتدا بفرمایید انتشارات فرهنگان از چه زمانی و با چه اهدافی به کار نشر پرداخته است؟

○ انتشارات فرهنگان در اواخر سال ۱۳۶۲ به ثبت رسید، با این هدف عام که بتواند در پیشبرد زبان فارسی در حیطه علم و فناوری گام‌هایی برداشته باشد. چرا که تولید هر چیزی، به ویژه علم و فن، تفکر خلاق می‌خواهد و تفکر فرآیندی است که در زبان و با زبان صورت می‌گیرد. بنابراین هرچه زبان در حوزه علم و فن بآید، تر باشد خلاقیت بیشتر خواهد بود و این همان هدف عام ما بوده است. استراتژی ما برای پیشبرد این هدف تاکنون عبارت بوده از تکیه بر تهیه کتب مرجع در حوزه علم و فن، اعم از کتب مرجع تخصصی، واژه‌نامه و دایرةالمعارف، مانند واژه‌نامه هشت‌زبانه نفت و گاز، واژه‌نامه نجوم، واژگان ریاضی، فرهنگ شیمی، فرهنگ پزشکی و حتی فرهنگ بتون و فرهنگ ماشین‌های الکتریکی که عنوان‌هایی فوق‌العاده تخصصی است. اما در زمینه فرش، که خاستگاه آن ایران است و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دستباف در جهان است، اما به زحمت می‌توان از ۳۰ عنوان کتاب در زمینه فرش در ایران نام برد. علت این ضعف و کاستی را در چه می‌دانید.

○ درست نمی‌دانم، اما این ضعف و کاستی ظاهراً در مورد همه آنچه ما آن را «صنایع دستی» می‌نامیم دیده می‌شود و شاید ریشه تاریخی داشته باشد. صنایع دستی ظاهراً فنی تلقی می‌شده که سینه به سینه منتقل شده و ضرورتی هم برای مکتوب شدن آن دیده نمی‌شده است. با این حال، ما به همان روش سینه به سینه، علم و تکنولوژی فناوری داشتیم، ولی علم و تکنولوژی نو نیز می‌آفریدیم، تا آن که به دلایل تاریخی از تولید علم و فناوری نو بازایستادیم (البته بدون آن که از ابداعات هنری بازایستیم). علم و فناوری در فرایند پژوهش و تحقیق تولید می‌شود، و در جامعه‌ای که تحقیق وجود ندارد، نه اطلاعات علمی و فنی تولید می‌شود و نه خواستارانی برای این گونه اطلاعات به صورت مکتوب (مثل کتاب) وجود دارد.

لاجرم همان ضعف و کاستی که گفتید پیش می‌آید. اما کم کم و به تدریج مصرف‌کننده علم جدید شدید و متعاقب آن دانشگاه و تحقیقات به وجود آمد. وقتی نگاه علمی شکوفا می‌شود، تحقیق جای خود را پیدا می‌کند. در واقع فناوری، مجموعه‌ای از دانش‌ها، بینش‌ها، روش‌ها، مهارت‌ها و مدیریت لازم برای ساخت یا تولید است. دانش همان علم است و بینش توانایی ذهنی‌ای است که در اثر تجربه به دست می‌آید. کار پژوهشی می‌تواند این بینش و دیگر مولفه‌های فناوری را توسعه بخشد. به هر حال ما سعی کردیم به پژوهش در این رشته کمک کنیم و پس از ما مرکز تحقیقات فرش نیز در این راستا و در جهت نهادینه کردن این امر کار کرده است.

● در زمینه کتاب‌های فرش و فعالیت‌های مربوط به آن اشاره‌ای کردید. لطفاً در ارتباط با چگونگی جمع‌آوری و ارائه اطلاعات مربوطه توضیحات بیشتری بدهید.
○ در زمینه جمع‌آوری و ارائه اطلاعات با مسائل و

مشکلات زیادی در راه برخورد کردیم، راه نکوینده و نرفته‌ای را شروع کردیم و به دنبال آن مسافرت‌های متعددی توسط آقای دکتر حصوری صورت گرفت. پس از گردآوری اطلاعات، فرهنگیان به یک مخزن بزرگ اصطلاح‌شناسی فرش ایران تبدیل شد و به جرأت می‌توان گفت که در حال حاضر بزرگترین مخزن اصطلاح‌شناسی فرش ایران در جهان است. در جهت اثبات این ادعا تنها به این نکته اشاره می‌کنم که در این تحقیقات اصطلاحات محلی فراوانی جمع‌آوری شد، به طور مثال چیزی را که در تهران به آن «چله» می‌گویند در جاهایی دیگر اسامی دیگری دارد که از ۵۰ تا بیشتر است. گاهی بعضی از این اصطلاحات محلی در حوزه وسیعی کاربرد دارد، مثلاً در آذربایجان چندین اصطلاح برای کلمه «بود» وجود دارد که همه آنها را می‌شناسند و ممکن است به کار ببرند. مواردی وجود دارد که تا حدود ۷۰ اصطلاح ضبط شده است. هرچند بعضی اصطلاحات را نیز چون در فلان روستای کوچک جریان

داشته ممکن است حذف کرده باشیم. به هر حال پس از گردآوری اطلاعات، کار تدوین «فرهنگ اصطلاحات فرش» و تدوین «دایرةالمعارف فرش ایران» آغاز شد. بخشی از اطلاعات ستادی در تهران و نقاط دیگر جمع‌آوری شد. برای پژوهش میدانی نیز حدود ۸ سال طول کشید و دو سه سال نیز صرف تدوین و ویرایش فرهنگ‌نوشتی شد. البته در یک فاصله زمانی با مشکلات و موانعی رو به رو شدیم و تداوم کار مدتی با

اما هم برای پژوهشگر
و هم برای بافنده و طراح
و هرکس که خواهان
نوآوری در عین
حفظ اصالت ما باشد
غنیمت است
زیرا لازمه همه
نوآوری اصیل
شناخت گذشته و حال
و نگاهی فرهنگی
و کلی نگرانه است.

وقفه همراه بود. در حال حاضر کار مجدداً شروع شده و سعی داریم تا پایان سال فرهنگ اصطلاحات فرش ایران را به چاپ برسانیم.

اما در مورد دایرةالمعارف فرش ایران باید گفت با توجه به افزایش اطلاعات و تجاربمان در مورد فرش، سعی کردیم با توجه به عنوانی که دارد، کتابی باشد که بتواند در مورد فرش ایران حرف اول را بزند و در واقع شایسته فرش ایران، بلکه خود ایران باشد. به هر حال کار بزرگی بود و به تنهایی ادامه این کار برایمان دشوار بود. پس از آن مرکز تحقیقات فرش دستباف ایران تمایل خود را جهت همکاری اعلام کردند. طرح به آن مرکز تسلیم و بررسی شد و به صورت جامع‌تری به تصویب رسید. و به لحاظ وابستگی مرکز تحقیقات فرش به وزارت جهاد، طرح وارد سیستم آنها گردید و متعاقباً به سازمان برنامه رفت تا شاید در نهایت به یک طرح پژوهشی ملی تبدیل شود و بودجه‌ای نیز به آن تعلق گیرد و امیدواریم که کننده هر که باشد، یک کار اساسی صورت گیرد.

● با توجه به محدود بودن عناوین کتاب‌های فرش، انتشارات فرهنگان تا چه حد در پر کردن این خلاء اطلاعاتی موفق بوده است؟ و عمدتاً کتاب‌های شما در این حوزه چه طیفی از مخاطبان را دربر می‌گیرد؟

○ اصولاً کتاب‌های ما در زمینه فرش جنبه پژوهشی و تحقیقی دارد و به علت همین تحقیقاتی بودن، مخاطبان کمتری را دربر می‌گیرد. ما میلیون‌ها فرش‌باف و دست‌اندرکار فرش اعم از بافنده، فروشنده، صادرکننده، سیاست‌گذار داریم که عادت به مطالعه ندارند. برعکس خارجی‌های علاقمند به فرش در اکثر مواقع خیلی بیشتر از دست‌اندرکاران فرش ما مطلع هستند و به جزئیات فرش واقفند. از طرفی این کتاب‌ها جنبه درسی ندارد و در واقع به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. اما هم برای پژوهشگر و هم برای بافنده و طراح و هر کس که خواهان نوآوری در عین حفظ اصالت ما باشد، غنیمت است؛ زیرا لازمه همه نوآوری اصیل شناخت گذشته و حال و نگاهی فرهنگی و کلی‌نگرانه است. در هر حال کتاب‌هایی در ارتباط با فرش چاپ کرده‌ایم و در آینده نیز همان طور که گفتیم چاپ خواهیم کرد. اینکه فرهنگان خلاء موجود را تا چه حد پوشش می‌دهد، نمی‌دانم. به هر حال چون کتاب‌های ما به صورت تحقیقات نظری و کاربردی است می‌تواند به عنوان یک سکوی پرش برای یافته‌های بیشتر برای دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی این کتاب‌های تحقیقاتی، تاریخ را نیز در بردارد، از جمله طرح‌های تاریخی که می‌تواند الهام‌بخش بافندگان و طراحان ما قرار بگیرد. یکی از تک‌مضمونی‌های ما کتاب «نقش‌های قالی ترکمن» است که حدود هفتصد یا هشتصد نقش اصیل ترکمنی را گردآوری کرده و می‌تواند منبعی بسیار غنی برای بافندگان ما باشد. طبق آماري که ارائه شد متوجه شدیم حدود شصت‌هزار بافنده ترکمن داریم و بر این اساس اعلام کردیم ۵ هزار نسخه از این کتاب چاپ می‌کنیم که بتواند جوابگو باشد. متأسفانه در طی هفت سال گذشته بیش از دو هزار نسخه هم به فروش نرفته است. همان طور که گفتیم، این فرهنگ عدم مطالعه بر تمام صنایع دستی و هنرهای دستی ما حاکم است. حتی بر گردانندگان و سیاست‌گذاران این حوزه نیز حاکم شده است. اگر کتاب «نقش‌های قالی ترکمن» با حدود ۸۰۰ نقش، مورد استفاده یک بافنده قرار بگیرد و تنها یک بار از یکی از این نقش‌ها نوآورانه استفاده کند ده برابر یا صد برابر هزینه کتاب به جامعه برگشته است.

● قیمت بالای کتاب‌های هنری و به ویژه فرش چه تاثیری بر روند کار شما دارد؟

○ قیمت کتاب‌های ما در حد متعادلی است. معمولاً خواننده آگاهی کافی نسبت به هزینه تولید کتاب ندارد ولی فروشنده یا توجه به محتوای آن تا حدودی می‌داند که چه هزینه‌هایی در طی مراحل چاپ این گونه کتاب‌ها صرف می‌شود. با این وجود قیمت کتاب را عمدتاً بازار کتاب (آن هم کتاب‌های معمولی) و عرضه و تقاضا تعیین می‌کند. ما سعی کرده‌ایم خودمان را با بازار کتاب تطبیق دهیم. به طور مثال در مورد کتاب «فرهنگ سغدی» که کتاب سال نیز شناخته شد ما حدود ده هزار نفر ساعت به عنوان ناشر روی این کتاب کار کرده بودیم؛ یا روی فرهنگ پزشکی ما حدود سی‌هزار نفر ساعت وقت گذاشتیم (از حروفچین گرفته تا ویراستار و غیره) بنابراین وقتی که کتاب سغدی چاپ شد دیدیم که

اگر بخواهیم علاوه بر قیمت تمام شده، سود را هم مطرح کنیم، قیمت کتاب بسیار گران خواهد شد و بالطبع برای خریدار کمی کردن مطالب ارزان‌تر می‌شود. به ناچار قیمتی را روی کتاب گذاشتیم که برای خریدار کمی کردن آن صرف نکند و ملاحظات قیمت تمام شده دیگر بی‌معنی بود.

● چه توصیه‌هایی در جهت بهبود نشر کتاب‌های فرش دارید؟

ما برای مکتوب نمودن
و ثبت اطلاعات
در مورد فرش
که صنعتی دستی است
دو کار اساسی
را در برنامه خودمان
قرار دادیم
یکی با نام
فرهنگ اصطلاحات فرش ایران
و دیگری با عنوان
دایرةالمعارف فرش ایران.

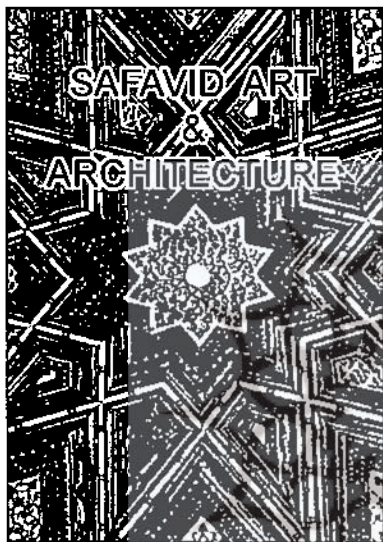
○ اصولاً کتاب‌های مربوط به فرش به علت استفاده از تصاویر متعدد گران درمی‌آید. در زمینه تألیف کتاب فرش ما نیاز به سرمایه‌گذاری داریم. سرمایه‌گذاری‌های خصوصی کار دل است و افراد باید شایسته این کار باشند. اما اگر می‌خواهیم در این صنعت پیشرفتی داشته باشیم، حتماً نیاز به سرمایه‌گذاری دولتی و حمایت نهادهای متولی فرش داریم. از طرفی نیز با مشکل کم‌دانشی دست‌اندرکاران فرش روبه‌رو هستیم. پس برای رونق این صنعت باید منابع مطالعاتی را در اختیار دست‌اندرکاران فرش بگذاریم و به نوعی آنها را ترغیب به مطالعه کنیم. فرش ما مانند اقیانوسی است که همگان باید گوشه‌ای از آن را ببینند. برای این کار باید هزینه کرد و خواننده آن را ایجاد کرد. همان طور که گفتیم ناشران ما اکثر آکار دل می‌کنند و برای اینکه فرش زنده بماند باید به مکتوب کردن گنجینه اطلاعاتی آن همت گماشت و کاری اصولی و تحقیقاتی انجام داد.

● در پایان اگر توضیح خاصی دارید بفرمایید.

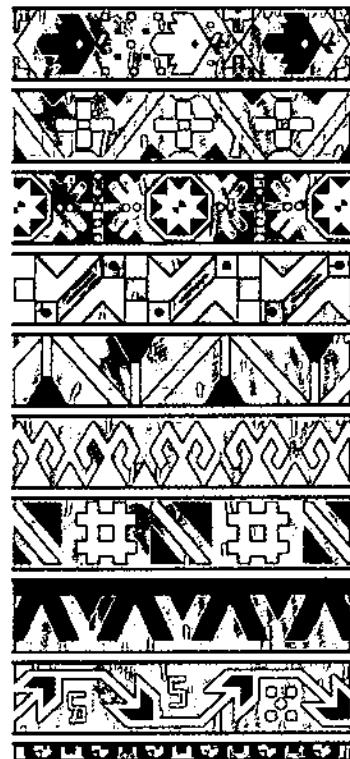
○ یکی از کتاب‌هایی که معرفی کردم، کتاب «فرش سیستان» بود. این کتاب، جایزه تشویقی «پژوهش فرهنگی سال» ۱۳۷۴ را به خود اختصاص داد. «فرش بر مینیا تور» هم اثر تحقیقی بسیار خوبی است. «فرش

SAFAVID ART AND ARCHITECTURE

هنر و معماری صفوی



هراتی» نیز از آثار تحقیقی ارزنده‌ای است که می‌تواند به عنوان یک اثر برجسته پژوهشی معرفی شود. نکته دیگر در مورد چاپ دوزبانه این کتاب‌هاست. این کار مثلاً در مورد کتاب‌های «فرش ناین» و «فرش بر مینیا تور» صورت گرفت. متأسفانه به گواهی آمار فروش این کتاب‌ها با عدم استقبال خارجی‌ها و ایرانی‌ها همراه بود و سرمایه‌گذاری به نظرم زیاد جواب نمی‌دهد. بنابراین سعی می‌کنیم یک‌زبانه کار کنیم. شاید بازاریابی ما ضعف داشته باشد، اما مشکلات دیگری هم وجود دارد. ما برای کتاب مرجع ویژگی‌های خاص خودش را قائلیم. کتاب مرجع باید بتواند در شأن عنوان خودش باشد. «مرجع» یعنی محل مراجعه. پس باید بتواند خواننده را به مقصد برساند. در تمامی موارد «ویرایش فرهنگ‌نوشی» که ما این اسم را وضع کرده‌ایم و (مفهوم آن را بر کتاب‌ها اجرا می‌کنیم)، بر این نظریه است که خواننده به مقصد برسد. خوب اینها هزینه‌های سنگینی دارد. به طور مثال ما روی فرهنگ پزشکی که محتوایش متعلق به موسسه معتبری چون آکسفورد است، بسیار مفصل کار کرده‌ایم و بعد از چهار سال هنوز سه هزار تایی آن به فروش نرفته است. از آن طرف می‌بینید که کتابی با همین عنوان به چاپ نهم و دهم رسیده، چرا، چون دانشجویان ما مرجع‌شناس نیستند و به ویژگی‌های یک کتاب مرجع‌شناسی ندارند. زیرا چاپ اول کتاب در زمانی شده که کتب مرجع در بازار نبوده است، همین امر باعث شده که نسل اندر نسل به دانشجویان توصیه شود - مثل جزوه‌هایی که استادان توصیه می‌کنند و به چاپ‌های متعدد نیز می‌رسد - و در نتیجه فرهنگ ما می‌ماند حل این امر نیاز به آگاهی و شناخت دانشجویان و استادان نسبت به ویژگی‌های لازم برای کتاب مرجع دارد.



بحث در مورد بقعه شاه اسماعیل در اردبیل پرداخته و شکل و تزیین این آرامگاه را مورد بررسی قرار داده است.

آدا آداموف (Ada Adamova) به بررسی دو پرتره از سفیر کبیر روسیه که هر دو با مهر شاه‌عباس مهور شده است و با انتقال پایتخت به اصفهان به آنجا فرستاده شدند مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در یک فاصله زمانی ۱۴ ساله، تاریخچه این دو نقاشی را بررسی و با جستجو در آرشیوها و کتابخانه‌های روسیه، متوجه می‌شود که این دو اثر از کارهای رضا و صادقی‌یک بوده است. در واقع این مقاله نشان می‌دهد که ترکیب تحلیل تاریخی و تحلیل تاریخ هنر می‌تواند نتایج سودمندی در پی داشته باشد. البته از نقاط ضعف این کنفرانس می‌توان به عدم بررسی گسترده زمینه‌های تاریخی و فرهنگی صفویه اشاره کرد.

منبع:

International Carpet and Textile Review July

1998 - Hali 99.

در مارس ۱۹۹۸، کنفرانس بین‌المللی هنر و معماری دوره صفوی به همت موزه بریتانیا برگزار شد. این کنفرانس که توسط شیلا کنبری (Sheila Canby) از بخش مطالعات شرقی موزه ترتیب داده شده بود، بررسی جامعی بود در مورد هنرهای دوره صفوی در فاصله ۱۷۲۲-۱۷۵۰ و در ارتباط با شاهان و شاعران و نقاشی هندی و اسلامی از مجموعه پرنس و پرنسس صدرالدین آقاخان (Sadruddin Agakhan).

در طول برگزاری این کنفرانس بیش از ۲۵ مقاله از محققین بریتانیایی، آمریکای شمالی، اروپا، ایران و روسیه ارائه شد. مقالات به موضوعات مختلفی از جمله معماری، باستان‌شناسی، سرامیک، فلزکاری، شیشه، فرش، منسوجات و صحافی می‌پرداخت. مقالات ارائه شده واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت و تعدادی از آنها نه تنها مطالب جدیدی ارائه می‌داد، بلکه از جهت متدولوژی نیز مورد توجه بود. از جمله مری ویلیامز (Mary Mc Williams) که به بررسی حدود ۳۰ قطعه مخمل دوره صفوی پرداخته بود.

رابرت هیلن براند (Robert Hillen brand) نیز به